

تلگراف از کرمان

حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد دامت برکاته از مراحم مبذوله ممنون و متشکر تأسیس مجلس ملی را که موجب حفظ شریعت است تبریک عرض می نماید ملتس دعا هستم .
(خادم شریعت مطهره محمدرضا)

ایضاً تلگراف از کرمان

حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقامیرزا محبی اسلام و آزاد کننده ایرانیان تبریک تأسیس مجلس شورای ملی که مستلزم رفع ظلم و جور است با اقدامات مجدانه حضرت عالی در ظل عنایت و توجه امام زمان عجل الله فرجه تبریک عرض می نماید عموم ملت کرمان در اطاعت اوامر و نواهی آنحضرت حاضر و مطیعند .

(شمس الحکماء)

تلگراف اول کرمان از جناب حاجی میرزا محمد رضای مجتهد است که سابقاً شرح حالات ایشان نگاشته آمد تلگراف دوم کرمان از طرف برادر نگارنده جناب شمس الحکماء دکتر کرمانی است که شرح حالات ایشان در ضمن وکالت ایشان خواهد آمد .

روز سه شنبه ششم شعبان ۱۳۲۴ - امروز رجال دولت و وزراء عظام و علماء اعلام حضوراً علیه حضرت مشرف می شوند در مدرسه نظامیه هم مردم مشغول امر انتخاب می باشند اکثر از وکلا معین شدند در تعیین وکیل علماء طهران اختلافی پدید آمده است که بعد از این ذکر خواهد شد امروز دستخطی از طرف شاه مشتمل بر تشکر از اقدامات ملت صادر گردید که اینک درج گردید .

جناب اشرف صدر اعظم از زحمات عموم ملت که در موقع ورود و کتب همایون ما از صمیم قلب اظهار سرور و انبساط نموده اند خاطر ملوکانه ما فوق العاده خوشوقت و مسرور گردید البته شرح مراحم و توجهات علیه ملوکانه ما را نسبت به عموم ابلاغ نموده اظهار التفات مخصوص ما را بیهمه برسانید .
۶ شعبان ۱۳۲۴ - صبح همایونی بامهر شاه در بالای ورقه موشح است .

طایفه قاچاریه و شاهزادگان از انتخاب وکیل خودشان سرپیچیده و اقدام با انتخاب نمی کنند .
روز چهارشنبه هفتم شعبان ۱۳۲۴ - در این روز مردم در مدرسه نظامیه مشغول امر انتخاب می باشند لیکن بعضی می گویند این مجلس انتخاب بر وفق نظامنامه نمی باشد و دست قلب و تدلیس در کار داخل شد بعضی از متمولین و تجار پولدار بنای رشوه و تعارف را در کار گذارده اند ارباب جمشید پولی بعضی آقایان داده است حاجی معین بوشهری هم به بعضی اشخاص پول داد . از آن جمله بانجمن مخفی

ماه مهم چیزی داد. که جناب آقا میرزا محمد صادق گرفته و میل فرمودند.

صده خرابی کار اهل ایران همین رشوه و پول است که آنان را از همه چیز انداخته و خواهد انداخت و این دادن پول باجزاء انجمن مخفی يك امر خرابی انجمن و تفرقه اعضاء اوست از آن جمله بنده نگارنده درخیال مستمسك و بهانه میباشم که دیگر داخل باین انجمن نشوم اگر ملاحظه دوستی جناب آقا میرزا محمد صادق نبود از همین امروز استعفا می خواستم بعض از اجزاء هم مانند بنده درخیال مستمسك و بهانه می باشند.

در این روز از طرف ولیعهد تلکرافات متوالیه از تبریز بخابره شده است در طهران هم مشهور شده است که ولیعهد مایل باین اقدام و اعطاء یعنی مجلس مشاورت نمی باشد.

روز پنجشنبه هشتم شعبان ۱۳۲۴ هجری - در این روز دستخط اعلیحضرت همایونی تلکرافات تبریز بخابره گردیده که در ذیل عنوان بقیه واقعه تبریز خواهد آمد و هذا صورته.

بقیه واقعه تبریز

تربیت و تمدن اهالی تبریز مازا بحیرت آورده که در ظرف این مدت که بازارها تماماً بسته و مردم در کوچه های محله ارمنستان و قونسلخانه و مسجد همجوار جمع بودند و با اینکه خیلی از مفسدین و خائنین موقعی بدست آورده و درخیال افساد عظیمی بودند ابدأ صدائی در نیامد و نامالایمی ظاهر نشد این اهالی مظلوم که عموماً فقیر و در دست فاقه و احتیاج اسیرند و اکثر ایشان بکلی مضطر و ناچارند با این حال نجابت و تربیت خود را بآخر رسانده حیثیت خود را نشکسته و در تمامی محلات و بازار و اطراف و اکتاف شهر از توجه مخصوص عقلا و دانشمندان و اشخاص باتربیت ابدأ حادثه بوقوع نه پیوست و امنیت در سرحد کمال بود باری روز پنجشنبه هشتم ماه دستخط همایونی تلکرافات دستخط ولیعهد صادر گردید و در باغچه قونسلگری و سپس در مسجد قرائت گردید چاوشها و در اویش پیش روی اهالی اقتاده بطرف بازارشان بردند و بازار را باز و چراغانی مفصلی نمودند و این چراغانی در چندین شب متوالی بود.

سواد دستخط مبارک اعلیحضرت شاهنشاه

مظفرالدین شاه قاجار معطی مشروطیت

بتوسط ولیعهد با اهالی مملکت آذربایجان تشکیل مجلس شورایی ملی و نظامنامه آنرا بشما اجازه و مرحمت فرمودیم و کلای شهر تبریز و سایر ولایات بطهران بیایند و به ترتیبات کار مشغول بشوند و نسبت بعموم متحصنین قونسلگری انگلیس عفو عمومی شامل خواهد شد.

سواد حکم ولیعهد محمدعلی میرزا

اولاً از طرف قرین الشرف بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء از طرف خودم باین اشخاص که در قونسلخانه و مسجد متحصن هستند اطمینان میدهم که درباره آنها عفو عمومی خواهد

شد و مطلقاً در آذای این اقدامات آنها مزاحمتی از طرف حکومت و غیره نخواهد شد .
 دوم - مجلس شورای ملی را بطوریکه بنده گان اعلیحضرت اقدس همایونی بملت اعطاء و مرحمت کرده من هم تصدیق دارم و اجراء خواهم نمود و بولایات جزو هم اعلام خواهد شد .
 سوم - برای اعطاء مجلس شورای ملی که اساس آبادانی و ثروت و ترقی دولت و ملت است عموم رعیت چه در شهر تبریز چه در ولایات مملکت آذربایجان چراغان بکنند .
 چهارم - در تعیین انتخاب و کلاه هم بزودی قراری بدهند که و کلای تبریز و سایر ولایات شده روانه طهران شوند .

دستخط ولیعهد و امضاء او حکم را

این چهار فصل که نوشته شده صحیح است

پنجشنبه هشتم شعبان ۱۳۲۴

از سفارت انگلیس بقونسلگری تبریز

صدراعظم باینجناب اطلاع داده نسخه های چاپی دستخط اعلیحضرت همایونی در اعطاء مشروطیت و ترتیبات مجلس بامنای آذربایجان و حکام ولایات فرستاده شد و انتخاب و کلاه در موقع اجراء است شما هم باید پناهندگان و بستی ها را اطلاع بدهید و توضیح نمایند اجرای وعده های اعلیحضرت شهریاری فقط مربوط بدولت ایران است ضمانت سایر دول در آن باب جایز نیست بگوئید مسلم و آشکار است ترتیب مجلس ملی ممکن نیست مگر بمرور .

(امضاء - قراندوف)

دستخط ولیعهد بژنرال قونسل انگلیس

مسیو راتسلاو چهار فقره را که اهالی استدعا کرده بودند بر طبق مقررات علیه همایونی مهر و امضاء نموده دادم دستخط تلگرافی را هم فرستادم که باهالی داده همگی مطلع و شکر گذار باشند بطوریکه آنها تعهد کرده اند مطمئناً بروند و بازار را باز کرده مشغول کسب کار خودشان باشند .

(امضاء - ولیعهد دولت علیه ایران)

تبریزیان بعد از این اطمینان و حصول مرام دل خوش و آسوده برگشته یک هفته روزان و شبان بازارها را بسته بسور و کامرانی مشغول شدند . سابقاً نوشتیم طایفه قاجاریه و شاهزادگان عظام از گرفتن ورقه انتخاب و تعیین منتخب در مجلس شورای ملی سر بازمی بیچیدند و امتناع ایشان مورث احداث مفاسد میگردد قلوب حجج الاسلام و دیگر طبقات ملت را از ایشان منزجر و متنفر می نمود و بلکه آثار قیل و قال در مجالس خاصه نیز پدیدار میشد تا اینکه اخبار خطارت قضیه و اهمیت واقعه بجناب صدراعظم رسید ایشانهم وقایع را بعرض اعلیحضرت شهریاری رسانیده و بنا بر این اعلیحضرت همایون همه

شاهزادگان و امراء قاجاریه را در امروز احضار فرموده و همگی را بامهر پندرانه پذیرفته و بعد خطابه بلیغ متضمن بر مکتوبات ضمیر شاهانه در این خصوص سرودند و نص نطق ایشان اینست :

نطق اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار

بر شاهزادگان و امراء سلسله قاجاریه

مانیکو میبدانیم علت عدم دخالت شما تا کنون در امور جامعه بشورای ملی از القاء شبهه کسانی است که از نیات مقدسه ما بیخبرند و شما هم نظر بشاه پرستی القاء شبهات آنرا قبول نموده خود را شریک و سهیم شرف ملی نکرده اید پس لازم است حضوراً بشما عقاید مقدسه خود ما را حالی نمائیم .

زمانیکه و لیعهد این دولت بودم از ظلم و جور حکام و مأمورین دیوان نسبت بر عایا و هرج و مرج امور داخله و خارجه مملکت همواره در فکر و اندیشه بودم تازاهی برای رفع این خرابیها بدست آورده در موقع اجرا گذارم چون بطریق کلی ممنوع از دخالت در امور بوده چاره بدست نیاوردم تا بحکم تقدیر زمام امور مملکت بدست ما افتاد بعد از ورود بطهران کراراً مقاصد خودمان را به امین السلطان فرمودیم بعد از تصدیق موانع و معاذیر چند بیان نمود که معلوم شد باطناً با مقاصد ما همراهی ندارد از آنجائیکه میدانستیم میرزا علی خان امین الدوله همواره با خیالات مکتونه ما همراهی داشته و دارد صدارت را با و تفویض نمودیم و از نیات مقدسه خودمان او را کاملاً مسبوق و مستحضر نمودیم حق این است که بر علو خیالاتمان بسی افزوده و با جنئی کافی در اجرای مقاصد عالیه ما حاضر گردید ولی موانعی چند بیان نمود که سد پیشرفت مقاصد بود برای برداشتن موانع دستوری باودادیم چون مقدرات خداوندی با میل ما مضایقه نکرد مجدداً صدارت را با امین السلطان واگذار نمودیم و بفرنگستان سفر کردیم در فرنگستان همواره با امین السلطان برای اجرای نیات خودمان در مذاکره و مشاوره بودیم جداً قول در این باب بما داد که حین ورود بایران در مقدمات کار اقدام نماید بعد از ورود بطهران باز محرك او شدیم تا مجلس مشاوره را وسعت داد ولی ملاحظه کردیم که احدی فعلاً با خیالات ما همراهی ندارد و در جلو مقاصد عالیه ما سدهای آهنین بسته شده پس دانستیم که هنوز مشیت الهی با اجرای مقاصد ما تعلق نگرفته است .

باز در سفر دویم فرنگستان مکان و مقام را خالی از اغیار و اضداد دیدیم به تکرار مافی الضمیر خود به امین السلطان پرداخته در این دفعه چنان مرا

اطمینان داد که به مجرد ورود بطهران به مقدمات کار خواهد پرداخت بعد از ورود بازموانع را در جلو آورد خواستیم شخصاً باجراآت مقاصد خویش اقدام نمایم به جهاتی چند صلاح ندیدم و تکراراً اصرار به امین السلطان کردیم باز اقامه موانع نمود چون اصرار امراء ما را ملاحظه کرد رضی گردید دیوان خانة منظمی مثل دیوانخانه های ممالک متدنه آزاد برقرار دارد ولی آنهم صورت خارجی پیدا نکرد هاقبت زمام امور مملکت را به عین الدوله سر حمت فرمودیم و از نیات مقدسه خودمان او را مستحضر کردیم خوب خیالات مقدسه ما را استقبال کرد ولی او هم بند کرموانع مشغول گردید و اول شرط این عمل را اصلاح مالیه دانسته و فکر خود را در آن مصرف نمود و در مقدمات عمل بر موانع پیچ در پیچ که تولیدش بواسطه اهمال در خود عمل بود مصادف گردید . تا در این اوان که امور مملکتی را بشخص تربیت شده خودمان میرزا نصر الله خان مشیرالدوله سردیم و اصلاح و اجرای مقاصد خیریه همایون خودمان را سریعاً خواستیم مشیرالدوله هم بملاحظه شرف سلطنت و صرفه ملت با کمال متانت و عجله با اجرای مقاصد عالیة ما پرداخت همگی موانع بحسن تدبیر اصلاح کرد خاطر ما را از هر جهت آسوده گردانید .

در این موقع ما از مشیرالدوله و حجج اسلامیه عموماً و خصوصاً از آقا میرزا سید محمد مجتهد سنکلی خوشنودیم که نیات مقدسه ما را در امور مملکت بخوبی استقبال نموده و عموم ملت را یکدل و یک زبان بدون نفاق و صدا پیرو خیالات دیرینه ما نمودند و راحت را از خودشان بکلی برای پیشرفت مجلس شورایملی و اصلاحات ملکی دور کردند .

پس همه بدانید که ما بصرافت طبع این آزادی و مشروع و مجلس شورایملی را به ملت شاه پرست خود عنایت فرمودیم و ریاست این مجلس را با نهایت شوق خودمان قبول کرده ایم و این مجلس محترم مجلس خودماست هر کس ضدیت با این مجلس نماید به شخص ما ضدیت کرده است اگر رضایت ما را منظور دارید خیلی زود منتخبین خود را معین نمائید که به خواست خداوندی مقدمات انتخابات تا روزدهم بخوبی انجام داده شود و از روز یازدهم شروع به تعیین و کلاه و کار نموده و محض میمنت و مبارکی روز یازدهم همین ماه که یوم مولود مسعود حضرت حجة الله فی الارضین است برای افتتاح خودمان به مجلس حاضر و آنروز میمون را تاریخ افتتاح مجلس شورایملی قرار خواهیم داد . بعد جناب صدراعظم را مخاطب نمود و فرمود :

از طرف مجلس اعلانی منتشر نمائید که اگر هر طبقه تا روزدهم همین.

ماه شعبان منتخبین خود را معین نمایند از شرف و قایده این مجلس محروم
و بعد از این هم حق انتخاب و تعیین و کلا برای خودشان نخواهند داشت .
همان آن حسب الامر مبارک اعلی حضرت شاهنشاه جناب مشیرالدوله صدر اعظم به جناب وزیر مخصوص
حاکم تهران امر داد که اعلان تعیین و کلا را انتشار نمایند و شاهزادگان و امراء سلسله حلیله قاجاریه
نیز به معین و کلاهی خود بشاشت خاطر اقدام نمودند .

روز جمعه نهم ماه شعبان - در این روز اعلان مطبوعه منتشر گردید برای اینکه مجلس نظار بطور
رسمی تارکند از امروز در تحت نظارت حکومت تهران بر آندا کثرا از و کلا را منتخب نمودند از برای
انتخاب معینانی ندارند جز اینکه در یک مجلس که حکومت باشد صورت انتخابات را ملاحظه نمایند
جناب آقا سید عبدالله و جناب آقا میرزا سید محمد و سایر علماء اعلام هر روز در مجلس جلوس میفرمایند .

صورت اعلان حکومت تهران

حون موافق نظامنامه انتخابات امراء و اعیان و اشراف و ملاکین باید نمایندگان خود را برای
مجلس شورای ملی معین نمایند لهذا با کمال احترام و توقیر خواهش میشود از اعیان و خوانین و اهل قلم
و اعیان و ملاکین و صاحبان مستغلات شهری بحدودیکه در نظامنامه مقرر است و طبقات نوکرسوای اهل
نظام هر گاه در جزو شاهزادگان عظام و علماء اعلام و امراء و قاجاریه و طلاب و خوانین و اصناف انتخاب
نکرده اند روز شنبه دهم شعبان از یکساعت بعد از ظهر الی یکساعت بغروب مانده بعنوان ملاک در مجلس
انتخابات ملی حاضر شده شش نفر نمایندگان ملاکین را در شش قرعه انتخاب نمایند محض سهوات امر
توضیح میشود که آقایان معزی الیهم شش نفر نمایندگان خود هر کس را میخواهند نمایندگی خودشان را
باید از بیس در نظر بگیرند که در وقت انتخاب معطل و متردد و مردود نباشند صاحبان مستغلات در صورتیکه
مستغلات ایشان از هزار تومان کمتر نباشد در حکم ملاکین هستند هر یک از آقایان معزی الیهم که حاضر
نشدد بموجب اعلان حق انتخاب ایشان در این نوبت ساقط خواهد شد .

(امضاء - غلامحسین غفاری)

پس از انتشار این اعلان روزها در مدرسه نظامیه با حضور حکومت و یانایب الحکومه مجلس سمت
رسمیت را حاصل نمود .

روز شنبه دهم شعبان ۱۳۲۴ - نظار با حضور علماء اعلام و حجج اسلامیه شروع در امر انتخابات
نمودند اشخاصیکه برای نظارت در امر انتخاب معین شدند که هر روز با حضور حاکم و حجج اسلامیه
مشغول امر انتخاب میباشند از این قرار است :

نظار و اعضاء مجلس نظارت

جناب مخیر السلطنه رئیس مجلس نظار	حسب الامر همایونی
جناب مشیردیوان منشی باشی	حسب الامر صدر اعظم
جناب اعظم السلطنه رئیس نظمیّه	از طرف حکومت تهران

جناب خازن الملک	ایضاً از طرف حکومت تهران
شاهزاده اسدالله میرزا	از طرف شاهزادگان
شاهزاده یحیی میرزا	از طرف شاهزادگان
امجدالسلطان پسر کوچک مجدالدوله	از طرف قاجاریه
جناب آقا سید حاجی آقا	از طرف علماء و طلاب
جناب آقا سید محمد تقی هراتی	از طرف علماء
جناب حاجی شیخ سیف الدین	از طرف علماء
جناب حاجی سید محمد تاجر	از طرف تجار
جناب حاجی محمد ابراهیم	از طرف تجار
جناب آقا شیخ حسین سقطفروش	از طرف اصناف

همینکه هیئت مجلس نظاره به قرار این اعلان تشکیل یافت عموم طبقات و کلاء خود را معین و منتخب کرده و میکنند و با کثرت آراء و باعانت قرعه مطابق نظامنامه منتخب گردیدند لکن باز دست تقلب ورشوه در کار است چه امجدالسلطان سنش بیست و یکسال است بر حسب نظامنامه که باید سن منتخب بیست و پنجسال و سی سال در مورد امجد تغلف و رزید هیاهو و ایراد وارد می آورند ولی کسی اعتناء نمی کند چرا که مجدالدوله ایلخانی و رئیس طایفه قاجاریه است .

روزیکشنبه یازدهم شعبان ۱۳۲۴ - امروز در مدرسه نظامیه مشغول امر انتخاب میباشند درباره نصره السلطان و دبیر السلطان گفتگو و حرف و ایراد زیاد وارد آوردند دبیر السلطان پسر و کیل الدوله جوان با حرارت و درست و صحیح است ایرادی که بر او وارد آورده اند میگویند مستوفی اصفهان و نوکر دیوان است این جوان با حرارت فوراً از شغل خویش استعفا خواست و نوکری دیوان را ترک و دست از کار و شغل خویش برداشت فرمانفرما هم از کرمان تلگرافات متوالیه می نماید در باب زمینهای درشت که بستگان آقای آقا سید عبدالله مدعی ملکیت آن زمین میباشند و دستخط اعلیحضرت را نیز صادر کرده اند جناب حاجی شیخ فضل الله هم در خیال بهانه است از اینکه آقا سید عبدالله و آقا میرزا سید محمد جلو افتاده و ترقی کرده است جناب امام جمعه هم امروز آمد منزل آقای آقا میرزا سید محمد در بیرونی آقای بقدر یکساعت نشست ولی جناب آقای طباطبائی از اندرون بیرون نیامد و به بهانه اینکه وقت ضیق است و باید نماز بخوانم و شما بایست خبر کنید تا من پذیرائی کنم از کتابخانه خویش بیرون نیامد و تا کنون جناب آقای طباطبائی اینطور وارد بر خانه خود را بی اعتنائی نکرده بود باری امام جمعه بقدر یکساعت نشست و قلبیان و جای صرف نمود رفت اگر چه عقلا را این حرکت آقای طباطبائی خوش نیامد و ایراد وارد آوردند لیکن جنابش جواب داد اگر از اندرون بیرون آمده بوده و پذیرائی میکردم هر آینه مردم بد میگفتند و در مقام تهمت و سوء ظن واقع می شدم .

روز دوشنبه دوازدهم شعبان ۱۳۲۴ - امروز بقرارد هر روز مشغول امر انتخابات میباشند اکثر از کلاء منتخب و معین شدند اگر چه فی الجمله تغییری در امر و کلاء بهم رسید لکن ما در این مقام اسامی

و کلای تهران را درج می‌نمائیم و در موقع هم می‌نویسیم تغییر برای چه بوده و ثقل و تدلیس در این امر مشروع را کی باعث و سبب شد و چگونه در این امر مقدس و مشروع دست دزدی و خلاف واقع افتاد.

مبعوثین ملت

اسامی انتخاب شدگان تهران

منتخبین شاهزادگان

- ۱ - شاهزاده اسدالله میرزا نجل شاهزاده شمس الشعراء
منتخب شاهزادگان
۲ - شاهزاده یحیی میرزا نقة السلطنه
منتخب شاهزادگان

منتخبین سلسله قاجاریه

- ۳ - ابجد السلطان پسر مجدالدوله
و کیل بزور قاجاریه
۴ - معظم السلطان

منتخبین علماء تهران

- ۵ - جناب آقا میرزا محمد تقی گرکانی
و کیل علماء
۶ - جناب حاجی شیخ علی نوری حکمی
و کیل علماء و حکماء

منتخبین طلاب

- ۷ - جناب آقا میرزا طاهر
۸ - جناب آقا سید نصرالله از سادات اخوی

منتخبین تجار

- ۹ - جناب حاجی محمد حسین آقا امین الضرب
۱۰ - جناب حاجی محمد اسماعیل آفامنازه
۱۱ - جناب حاجی سید مرتضی مرتضوی
۱۲ - جناب حاجی محمد معین التاجار بوشهری
۱۳ - جناب آقا میرزا محمود تاجر اصفهانی
۱۴ - جناب حاجی محمد علی تاجر شالفرش
۱۵ - جناب حاجی محمد تقی تاجر شاهرودی
۱۶ - جناب وثوق الدوله مستوفی
۱۷ - جناب محقق الدوله ناظم مدرسه سیاسی
۱۸ - جناب نخب الملک

منتخبین اعیان و ملاکین

- ۱۹ - جناب صنیع الدوله
۲۰ - جناب نصره السلطان (که بعد منزول شد)
۲۱ - جناب صدیق حضرت
۲۲ - جناب حاجی میرزا محمودخان احتشام السلطنه
۲۳ - جناب میرزا جوادخان سعدالدوله

احتشام السلطنه و سعدالدوله هر دو در تهران نمی‌باشند چه احتشام السلطنه از روزیکه به ما موریت سرحد عثمانی و ایران رفت بطرف ارومیه هنوز نیامده است و در موصل و عتبات و سایر اماکن روز بشی میرساند و اما سعدالدوله هم از روزیکه نفی باد شده در یزد گاهی در قونسلخانه و تنگه افغانه آنکس

یناهنده است گاهی در جلوقزاقها میدود چون هر دو کار آمد و بعد از این خواهد آمد لذا هر دو را وکیل و منتخب نمودند .

۲۴ - جناب میرزا حسینعلیخان خلف مرحوم نخبالدوله

منتخبین اشراف و ملاکین توابع تهران

۲۵ - جناب میرزا حسین خان مشارالملك

۲۶ - جناب میرزا اسماعیل خان عونالدوله

۲۷ - جناب میرزا علی اکبر خان دبیرالسلطان که از استیفاء اصفهان استعفاء داد و شغل خدمت

بملت و دولت و وکالت را بر کار و استعفاء مقدم داشت

۲۸ - جناب حاجی سیدباقر معروف به سادات اخوی

۲۹ - جناب حاجی سیدیحیی سیدالحکماء

منتخب اصناف چهارگانه تهران

مذهب و صحاف و کاغذفروش و کتاب فروش

۳۰ - جناب آقامیرزا محمود تاجر کتاب فروش

منتخب اصناف شش گانه تهران

خیاط و روفوگر و عبا دوز و رخت دوز و پرده دوز و قلاب دوز

۳۱ - جناب حاجی میرزا ابراهیم

منتخب اصناف چهارگانه

بزاز و حریر فروش و زبره فروش و دوره گرد

۳۲ - جناب حاجی سید ابراهیم تاجر حریر فروش

منتخب چهارگانه عطار و دوا فروش و چای فروش و سقط فروش

۳۳ - جناب حاجی شیخ حسین سقط فروش

منتخب اصناف چهارگانه سه سار و حلاج و لبحاف دوز و کهنه فروش

۳۴ - جناب آقا سید مصطفی سه سار

منتخب اصناف چهارگانه زرگر و دوات گر و آهن گر و حلبی ساز

۳۵ - جناب حاجی میرزا احمد پسر جناب زرگر باشی

منتخب اصناف سه گانه توتون فروش و سیگار فروش و تنباکوفروش

۳۶ - جناب آقا میرزا حسین فلی سیگار فروش

منتخب اصناف سه گانه خباز و علاف و نار فروش

۳۷ - جناب حاجی عباس قلی آقا

**منتخب اصناف پنجگانہ چوب فروش و نجار و صندلی ساز
و خراط و حصیر باف**

۳۸ - جناب حاجی سید آقا باقر چوب فروش

**منتخب اصناف پنجگانہ علاقہ بند و زردوز و یراق دوز
و یراق باف و زرکش**

۳۹ - جناب آقا شیخ حسن علاقہ بند

**منتخب اصناف شش گانہ یخدان ساز و سراج و تاباف و ترکشدوز
و پالان دوز و چادر دوز**

۴۰ - جناب استاد غلام رضا یخدان ساز

**منتخب اصناف شش گانہ بقال و بنکدار و آجیل فروش
و میوه فروش و علاف جزء و رزاق**

۴۱ - جناب آقا مشہدی باقر بقال

**منتخب اصناف اربعہ کلاهدوز و کلاہ مال
و پوست دوز و خراز**

۴۲ - جناب حاجی عبدالوہاب

منتخب اصناف دو گانہ کفش دوز و پارہ دوز

۴۳ - جناب آقا شیخ حسینقلی دلال

۴۴ - جناب آقا ملاحسن دلال

**منتخبین اصناف چہار گانہ قصاب و دباغ
و مرغ فروش و برہ فروش**

۴۵ - جناب امین التجار کردستانی

منتخب صنف قہوہ چی

۴۶ - جناب آقا سید مہدی معروف بہ سقط فروش

**منتخب اصناف چہار گانہ قناد و گیوہ فروش
و جوراب فروش و جوراب دوز**

۴۷ - جناب حاجی محمد تقی باقر معروف بدہنبدہ

منتخب طایفہ جالیہ صرافین و صیرفیہ

۴۸ - جناب حاجی سید محمد صراف

**منتخب اصناف نه گانه مثنی و معمار و فخار و بناء
و کاشی پز و کوزه فروش و کوره پز و نقاش و سنگتراش**

۴۹ - استاد حسین پنجه علی بناء

**منتخب اصناف پنجگانه عصار و شمع و صابون پز
و صابون فروش و نفت فروش**

۵۰ - جناب حاجی محمد باقر

**منتخب اصناف هفتگانه مسگر و تفنگ ساز و کالسه ساز
و غداره ساز و ریخته گر و سفیدگر و خورده فروش**

۵۱ - جناب آقا سید محمد تقی هرانی

**منتخب اصناف هفتگانه آهنگر و چلانگر و نعل بند و میخ بر
و نعل بر و نعل ساز و طارمی ساز**

۵۲ - جناب آقا سید حسین بروجردی ملقب به مدیر الاسلام

منتخب اصناف پنجگانه سلمانی و حمامی و یخ چالی و میراب

۵۳ - جناب آقا سید ولی الله خان دکتر

**منتخب اصناف سه گانه خرازی فروش
و ساعت ساز و جوراب باف**

۵۴ - جناب حاجی سید محمد آقا تاجر ساعت فروش

**منتخب اصناف هفتگانه پلوی و چلوی و آشپز
و کبابی و کله پز و یخنی پز و جگر پز**

۵۵ - جناب حاجی علی اکبر پلویز

منتخب اصناف دو گانه بلور فروش و شیشه بر

۵۶ - جناب حاج شیخ اسماعیل تاجر بلور فروش

منتخب هفت زردشته

۵۷ - ارباب جمشید تاجر فارسی

منتخب طایفه آرامنه

و کالت خود را واگذار و تفویض با آقای طباطبائی نمودند و حق خود را در انتخاب اول

ساقط نمودند.

منتخب طایفه هنود

حق خود را در این انتخاب واگذار بآقای بهبهانی نمودند.

فلاحین و برزگران منتخب خود را هنوز هم در آنجا می‌بینیم که در این
 عالم و جوانان با تربیت و باهوش و تحصیل کرده موجود و معتمد و برادر
 و منتخب نشدند و اینگونه مردمان جاهل و بی تربیت داخل در این امور و در این
 هنوز اهل تهران معنی مجلس و وکالت و منتخب و امین را ندانستند و نفیضیه را
 ملت باید مثل و کیل‌های دارالشرع و درخانه‌های ملاها و قضاة باشد از بسکه از
 و از بس که از آنها صدمه و اذیت و ضرر دیده‌اند لذا بایدگونه اشخاص زانی شده‌ها



آقای آقا سید محمد طباطبائی

تقلب و رشوه در کار آمد باین جهت جناب آقا میرزا محمد تقی گرکانی که وکیل علماء بود استعفا داد
 و درجایش آقا میرزا محسن برادر صدرالعلماء و داماد آقای بهجانی وارد شد بدون انتخاب و بدون
 شرایط همین قدر که آقا میرزا محمد تقی استعفا داد و جناب آقا سید عبدالله داماد خویش را بجای او
 منصوب کرد هر قدر عقلا داد و فریاد کردند بجائی نرسید و همچنین نصره السلطان و دبیر السلطان که هر دو
 جوانان با کفایت و دانا بودند از وکالت باصرار مردم استعفا دادند بیچاره دبیر السلطان هم از نو گری

افتاد وهم ازوکالت . سوم اینکه اهالی تهران خود را نسلی میدادند با اینکه اگر وکلای طهران صحیح و درست و کافی وعالم نمیباشند وکلای بلاد البته خوب وصحیح وعالم خواهند بود در مجلسی که دوست فقر اجزای این مجلس باشد پنجاه نفر جاهل چه میتوانند بکنند ولی افسوس که وکلای سایر بلاد هم همین درد وهمین خیال را داشتند در آنجاها هم بعینه مانند تهران شد چهارم آنکه بر حسب فرمایش جناب آقا سید عبدالله چنانکه در موقع و مقام خواهد آمد اکتفاء کردند که فرمود من بزحمت عمارتی را روی دوست یا کمتر ستون جویبی قرار دادم هر وقت يك ستون آدمی دیدم یکی ارستونهای چوبیرا بر میدارم و آن ستون آدمی را بجایش میگنارم و ها کذا نا تمام سنونها از آدم و انسان گردد کن این آقا غافل است که يك دفعه آتش در می افتد بعمارت و ستونهای جویبی در آن واحد بيك طرفه العين آتش خواهد گرفت این عمارت ستون آدمی لازم دارد که عمارت را بر سر گذارد و آب اسباب اطفاء نار در دست بگیرد که هر وقت خواست آتش بعمارت افند فوراً آتش را خاموش منطقی سازد .

باری وکیل جاهل و کور که بصیرت بحال مملکت وساطنت نداشته باشد عدمش به از وجود است روز سه شنبه سیزدهم ماه شعبان ۱۳۲۴ هجری - در این روز کدورتی علی الوافع بین آقای بهانی و آقا شیخ فضل الله واقع افتاد که منحصر از مفصل این است که ذیلا نکاشه آمد و این کدورت بجر بواقعات و حزئی و کلی خواهد شد یکی از موقوفات بزرگ موقوفه قائم مقامی است که از حاصل ن موقوفه در سال دو هزار تومان باید بعتبات عالیات برود و چند هزار تومانهم باید بمصارف مگر برسد این موقوفه با حعبه که مهر مبارك حضرت سید سجاد در آن است و آن حعبه مرصع واهرات است در دست اولاد قائم مقام است که خود قائم مقام واقف این موقوفه بوده و چند سال این موفه در دست میرزا محمود خان که نوه قائم مقام است بوده و چون میرزا محمود خان شخص بی حالی و رتبه قائم مقام مدعی او شده موقوفه را از او انتزاع نمودند میرزا محمود خان هم بهمان حعبه قناعت و اکتفاء نمود موقوفه را واگذار بمیرزا علی اکبر خان نمود میرزا علی اکبر خان چون رس را بزنی بامیر بهادر داده بود بقوه و استظهار امیر بهادر تمام موقوفه را حیف و میل می نمود این ادیب الممالک مدبر روزنامه ادب که از وره قائم مقام و از اسخخاص با کفایت و درایت است خدمت ی طباطبائی عارض گردیده وقف نامه را اظهار داشت جناب آقای طباطبائی این امر را واگذار بده نگارنده فرمود بنده نگارنده بر حسب فرمایش آقای طباطبائی و دوستی با ادیب الممالک میرزا کبر خان را احضار کرده تقریرات و دعاوی ادیب الممالک را ذکر نمودم و از آن جمله گفتم ادیب الممالک است که شما در امر موقوفه خیسات کردید و منافع و نماء موقوفه را بمصارف وقف نرسانید بد و از زمین فلان مزرعه را که زدیک راه آستارا می باشد در هیچجده هزار تومان بکمبائی راه باند فروختن من موقوفه را دالمی است واضح بر خیانت شما میرزا علی اکبر خان گفت هفه دیگر خدمت آقای طباطبائی رسیده جواب شمارا و جواب ادیب را حضور مبارك حضرت حجه الاسلام

عرض میکنم پس از این قرارداد میرزا علی اکبر خان منوچهر بیجی شیخ فضل الله نوری میشود از جناب آقا دھوتی میکند جناب آقا یک روز را برای نهار میبرد منزل میرزا علی اکبر خان پس از صرف نهار مزار تومان اسکناس تقدیم حاجی شیخ فضل الله می نماید و حتی این مشکل را از جناب آقا میخواهد جناب آقا دوسه روز قبل از این بنده نگارنده را احضار نموده بنده نگارنده از ملاقات استنکاف و عذر آورده باینکه از راه استدعا و خواهش ملاقات بنده را درخواست نمود چون از طریق انسانیت



حاج شیخ فضل الله نوری

و استدعا اصرار در ملاقات نمود روز گذشته را قبل از ظهر آنجا رفتم جناب آقا در کتابخانه مخصوص خود بود پسرش حاجی آقاهادی که سنش از بیست و پنج تا سی و پنج سالگی بود و متجاوز نبود و جناب حاجی شیخ سبف الدین هم آنجا بودند پس از قلیان و قهوه با حاجی شیخ سبف الدین صحبت می نمود در مسئله فتلی که در عراق واقع شده بود گویا برادر حاجی شیخ سبف الدین را بقتل رسانیده بودند و طرف حاج شیخ سبف الدین، گویا حاج سهم الملك عراقی بود بنده نگارنده شنیده بودم بعضی از ملاها رشوه میگیرند و رشوه میخورند لکن ندیده بودم که ملا خودش علناً و آشکارا مطالبه رشوه و تعارف را بنماید بلکه بوسیله یکی از اجزاء و محارم و یا بکنایه و اشاره مطالبه می نمود مثلا قرض دارم مقروضم در خیال روضه و سفر میباشم و یا فلان مزرعه و ده و خانه را باید بخرم و یا بنده زاده را باید داماد کنم

و با عروسی دارم و با بانگ از من طلب دارند میدانم چه کنم آنوقت طرف مقابل می گفت آقا عصه بخور بد خداوند کریم است من اینقدر و فلان مبلغ را تقدیم میکنم باقی را دعا کنید خداوند برساند با انصاف و با تقریباً چیزی میگرفت لکن جناب حاجی شیخ فضل الله را دیدم که بالصرافه از حاجی شیخ سبف الدین مطالبه بول کرد در مقابل حکمی که میخواست باری بعد از قطع و فصل امر مقاضعه شیخ سبف الدین رفت بنده ماندم و حاجی شیخ فضل الله که شروع در مصاب و سخن نمود در آغاز مدتی از مد روی آمدی آقا سید عبد الله شکایت نمود قدری هم از آقای طباطبائی تعریف و توصیف نمود من گفتم چون بودا (یعنی من) آدم با کفایت و عاقل میدانم انا از تو حراش میکنم آقای ضابطائی

این موقوفه قائم مقامی بنده گفتم شما آقای طباطبائی را میشناسید که در این گونه موارد دخالت نمیکند ولی جوابی بدهی باید داد چه ادیب الممالک متوسل باقا شده است و اصراری هم دارد حاجی شیخ گفت آنچه که باید بعثات فرستاد هر ساله بااطلاع من میفرستند نزد جناب آخوند ملا کاظم رسیدهم در دست میرزا علی اکبرخان هست آنچه باید در همین تهران بمصرف رسانند بااطلاع من بمصرف رسانیده و قبض باو دادم اما در مسئله فروختن زمین هنوز فروخته است چه من گفتم از کمیانی زمین را در هیجده هزار تومان میخرند بملاحظه صرفه و فبطه وقف بفروشدند و درجائی بهتر ملکی بخرند و ضمیمه وقف نمایند لکن کمیانی بیش از نه هزار تومان پول نمی دهد باین جهت هنوز فروخته نشده است باری چون بنده را رسول قرار داد لذا دیگر من اصرار نکردم و مراتب را خدمت حضرت آقای طباطبائی عرض کردم حضرت آقا ابتداء قدری متغیر شدند ولی جناب آقا میرزا ابوالقاسم پسر آقا گفت در اول امر مشروطیت رنجانیدن آقا شیخ فضل الله صلاح نیست شما منصرف شوید و دخالت در امر موقوفه نکنید بهر طور بود آقای طباطبائی را منصرف نمودیم لکن جناب آقا سید عبدالله از واقعه مطلع شده و از مسئله مسیوق گردید و در مقام تصرف موقوفه برآمد باین جهت حاجی شیخ فضل الله مسکدر شد . دیگر از اموری که سبب رنجش حاجی شیخ فضل الله گردید واقعه آقا میرزا مهدی پسر حاج شیخ فضل الله بود که ما این واقعه را در عنوان فردا می نگاریم .

روز چهارشنبه چهاردهم شعبان المعظم ۱۳۲۴ هجری - امروز مردم در خیابان تهیه جشن فردا که عید مولود امام زمان عجل الله فرجه می باشد، میباشند از ظهر امروز در خانه آقای طباطبائی و خانه سادات اخوی و خانه سیدقندی چراغان و جشنی است اهل بازار هم چراغانی را مهیا و مستعد میباشند دوات هم آتشبازی و سورا مهیا و مشغولند یکی از وکلای علماء جناب آقا میرزا محمد تقی کرکائی است و این مرد چون تکلیف را شاق دانست و دید از عهده بر نمی آید لذا از این شغل خطیر استعفا داد و عقب نشست جناب آقای طباطبائی فوراً داماد خود آقا میرزا محسن را بجای او منصوب کرد مردم دره قاه ایراد بر آمده جنابش اعتنائی نکرد و در جواب فرمود من بزحمات بسیار و ریختن خون صلحا و سادات عمارتی را بر پا نمودم لیکن ستونهای این عمارت که باید بر سرانسان گذارم از چوب فرار دادم هر وقت انسانی دیدم که طاقت حمل این عمارات را داشته باشد یکی از ستونها را برداشته آن آدم را بجای آنستون قرار میدهم و کذا سایر ستونها را تا اینکه تمام این ستونها و عماید انسان باعلم گردد این مسئله اگر چه عوام را ساکت نمود لیکن خواص را ساکت و متقاعد نمود در انجمن مخفی نانوی فرار بر این شد که وکالت آقا میرزا محسن را بهم زنند جناب آقا میرزا مهدی پسر حاجی شیخ فضل الله که واقعا لله و فی الله حرکت میکرد و خیلی زحمت میکشید همه وقت باعده از طلاب اطراف آقای طباطبائی را داشت و آنچه در قوه داشت از بنل مال و جان دریغ نمی فرمود و دامن و ساختش بهلوت رشوه و تعارف ملوث نگردید متقبل شد که در مجلس طرف شود ولی بشرط اینکه دیگران از او عقبه کنند يك نفر از آنهائیکه وطن فروش بود این خبر را با آقای بهبهائی رسانید ایشان هم مستعد و مهیا از برای مدافعه گردیدند باری آقا میرزا مهدی در وسط مجلس جلوس نمود تا شروع بمطلب و مقصود نمود یکدفعه جناب

آقا سید هیدالله بنای پرخاش را گذارد با اینکه در مجلس حاجی شیخ فضل الله نشسته بود بعدی تغیر و تشد نمود که تا آنوقت احدی جناب آقای بهبهانی را این طور متغیر ندیده و در ضمن تغیر هم میگفت آقای من شما عالم و عالم زاده اید نباید این طور در وسط مجلس بنشینید آقا را بلند کنید و بچه ها میایند آقا را از این جا بلند کنید و در جای خود بنشانید آقا میرزا مهدی که خود را تنها و غریبویی یار و یاور دید ملتفت شد که نزدیک است رشته اتحاد و اتفاق گسیخته شود فوراً از جایش برخاست و آمد در حوزه و پشت بدیوار نشست آقایانیکه با آقا میرزا مهدی معاهد بودند احدی سخنی نگفت از آن طرف هوا خواهان آقای بهبهانی و بادنجان دور قاب چینها و حاشیه نشینها بنای معایب و فساد را گذارده بلی آقا بابیها میخواستند این بنا را خراب کنند باینها این اسباب را فراهم می آوردند که مسلمین را ذلیل و نابود کنند (در ایران رسم شده است هر گاه بخواهند کسی را مغلوب و از میدان بیرون کنند نسبت او را به بایه میدهند مثلاً امروز الی وقتی که مجلس قوتی داشته باشد اگر بخواهد حرفی بزند که مخالف میل طرف باشد فوراً میگویند بایها دشمن مجلس میباشند و نمیخواهند در ایران مجلس باشد و اگر يك وقتی خدای نا کرده سلطان و یا علماء با مجلس بدشوند و آثار مغلوبیت در مجلس خواهان باشند آنوقت میگویند این مجلس را بایها برپا کردند چنانچه در امر مدارس و مکاتب دیدیم در اول تأسیس مدارس مردم میگفتند این مدارس را بایها تأسیس و تشکیل میدهند بعد از آنکه جناب حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد طباطبائی مدرسه اسلام را تأسیس نمود و عمومیت پیدا کرد آنوقت هر کس از مدرسه بد میگفت و او را بای میدانستند این است حال ما اهالی ایران که باین طور مدعی را از میدان بیرون میکنیم) باری گفتند گفتند تا آقا میرزا مهدی ساکت شد و گفت از هر چه بدترش آقا میرزا محسن که من برای او این خفت را بکشم بهر جهت حاجی شیخ فضل الله اگر چه میل باین پسر ندارد و مایل بود قدری دماغش سوخته شود لیکن نه این اندازه که در حضور خودش اینطور بی احترامی به پسرش کنند بهر جهت شب انجمن مخفی برپا شد آقا میرزا مهدی گله کرد که شما بعضی حاضر بودید و ساکت نشستید حالا گذشته گذشت لیکن بدانید من حتماً آقا سید هیدالله را باین ششلول جواب میدهم و دست در بغل نموده ششلول را بیرون آورد بنده نگارنده چون میدانستم آقا شوخی میکند هنوز در ایران خسوس در این سلسله جلیله از جان گذشته کسی نیست و انگهی در مقابل سید عالم آنهم مثل آقای بهبهانی کسی نیست که بتواند این خیال را بکند و انگهی عقاید مذهبی جناب آقا میرزا مهدی مانع است از اقدام بقتل نفس لکن مخصوص اداء تکلیف و اینکه باعث خجالت آقا میرزا مهدی خواهد کردید گفتم آقای من در اول انعقاد مجلس و مقام اتحاد و اتفاق کاری نکنید که باعث خرابی امر و تفرقه متحدین و سبب شق عصای مسلمین گردد خواهش دارم این خفت را محض رضای خالق متحمل شوید و اظهاری نفرمائید بلکه بر روی خود نیاورید جناب آقا میرزا مهدی اگر چه گذشت و مدتی هم در خانه نشست ولی آقایان و طلاب رفتند عذرخواهی کردند و معذرت خواستند و رفع کدورت و نقار ایشان شد لکن این سوء اتفاق دو نتیجه داد اول رنجش حاجی شیخ فضل الله و بهانه دست او آمدن نانی تعرفه انجمن مخفی که دیدیم انجمن فقط راه دخلی شده است که دوهزار تومان از حاجی معین بوشهری بگیرند

و بعضی بوش جان کسند دیگر در مقام کار و خدمت نباشند لافل از یکدیگر همراهی کسند و آنجمله سده نگارنده از این اعیان و پامدن حساب آقا میرزا مهدی باحسن، دیگر وارد باحسن شده دیگر این احسن معتمد گردید الا بطور غیر رسمی که گاه گاه در جاه‌های یکدیگر سه چهار نفری بهم می‌رسیدیم. روز پنجشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۲۴ - امروز بازارها بسته مردم دسته دسته فوج فوج در جاه آقای طاطائی مآبد و سرك عبد مولود را مگوند ساگردان مدارس بحال نظام وارد میشوند خطبه و خطابه معجوزانه در شب هم حراعی باسکوه در شهر بود در سلام دولتی هم امر اعلی حضرت صادر شد که حام سغرا و رحان دولت و وزرگان و علماء و کلاهی ملت را دعوت کند برای روز هجدهم که در آن روز مجلس شورای ملی رسماً منعقد گردد و معاونین ملت حضور اعلی حضرت شاه ساهی معرفی گردید

روز جمعه شانزدهم ماه شعبان ۱۳۲۴ - امروز از طرف حساب صدراعظم مشیرالدوله دعوت نامه حسب الامر اعلی حضرت که دیروز امر مبارک صادر گردیده بود طمع شد بمعوم حضرتان علماء و شاعران گان عظام و امامان و وزران و اعیان کرام و سفراء دول خارجه بدین مصون فرستاده شد بعد الا اقبال روز یکشنبه هجدهم شعبان سه ساعت بعروب مانده در عمارت گاسان او باح مجلس شورای ملی خواهد شد مدعی است در ساعت مذکور سه ساعت بعروب مانده سلام عام در الارحیب را ایشاف آمدند اب و شاه شاه زادگان و مدعیان شرف حضور اعلی آمدند

روز شنبه ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ - امروز چه مجلس را می‌بند که فردا در عمارت مانع کله آن در حضور اعلی حضرت منعقد گردد صدراعظم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و دو سرس بهاب سعی را دارند در تشکیل مجلس و سب همراهی و سعی و کوشش و جهد بلیغ صدراعظم را کرده ریب شدن سرهاش را مگوند لکن ما علاوه بر مل اعلی حضرت مشروطیت و رت سبب پسرهای مشیرالدوله سبب بکه دیگر رجوردم و در آحقه د کرمی بمائیم حساب میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم ایران روز بکه یا مداره و کری گنارد در ماه اول مواجب او نازده فران بود که هر فرای بکثرتان بقره است و از این ربه سال رسا روز ترفی هاد ا مقام و راز خارجه رسد و الله حسب شخصی که از این ربه نازل باین مقام رسد اگر بولی بحصل کند بربولرا بجوی مبدان و حرج بچوده مکنند املاک مشیرالدوله هم خون معرق بود و مهمانی سانی بسکرد و بدلی بسکرد لذا کسی مطلع در مول و مکتب مشیرالدوله نگردد عن الدوله هم که بر مصدر صدارت نشست بملاحظه آنکه مشیرالدوله در کارهای میرزا علی اصغر خان امک بحال داشته و از امورات دولتی با اطلاع است لذا مشیرالدوله را که در امور خارجه بود احواد در مشاورت داخل بود و در امور پوتسکی اراو اسعلام و اسفصار مود و در امور وزارت خارجه هم همی جهت احصاح بمشیرالدوله صرفی مکرد و خبری مبداد و نه مگرفت مشیرالدوله هم بهمین قدر ضاع داشت و از عن الدوله کوچکی مسود است که در چند ماه قبل از رفع الدوله سه راکر ایران را از اسلامبول خواسته از رفع الدوله در یارک عن الدوله مرل کرد خون لاند بود بولی بخدمت ساه و ابناک نماید لذا مدعی وزارت خارجه گردید و گفت صد هزار تومان میدهیم که وزیر امور خارجه بشود

عین الدوله محض دوسی نامشرا الدوله برای مشرا الدوله بیعام داد که ارفع الدوله صد هزار تومان تقدیم میکند برای گرفتن وزارت خارجه سماجه میگونی مشرا الدوله که شخصی عاقل با دین و ورزگی بود گفت در صورتیکه ارفع الدوله صد هزار تومان بدهد او مقدم است تا او گذار نمایند مشرا الملک و مؤسس الملک پسرهای مشرا الدوله بیدر گفست اگر ارفع الدوله وزیر امور خارجه گردد کار ما حراب خواهد شد و اگر در این مقام پولی مانده گذاریم نصف آنرا از خود ارفع الدوله درمآ آوریم و نصف دیگر را از محل های دیگر باری

اصرار و ابرام و ایجاب پسرهای باعث شد که مشرا الدوله راضی شد که هشتاد هزار تومان بدهد و وزیر امور خارجه خودش باشد عین الدوله دند که هشتاد هزار تومان مشرا الدوله بهر است از صد هزار تومان ارفع الدوله الدوله چه هم مشرا الدوله را دارد و هم سب هزار تومان دیگر از ارفع الدوله درمی آید .

انداس مشرا الملک و مؤمن - الملک پسرهای مشرا الدوله را حواس و کف من برای پول میل مشرا الدوله شخصی را مکندر بکم و هشتاد هزار تومان بدهد که قدیم اعلی حضرت بنام و ارفع الدوله راهم خون بر من وارد شده است و ساه را تا او میل است خوب است بهمان ماموریت ساق برقرار



داریم بالاخره در همان مجلس مشرا الملک حواله هشتاد هزار تومان ، طومان اساس آخر خود حواله را وشت و داد به عین الدوله و از آنجا بیرون آمد مراتب را به پسر برادر گوار خودشان که مشرا الدوله گفت عین الدوله گمان این قدر بود برای ما بد است حالا که دند این آسی و سهلی هشتاد هزار تومان گرفت فردا بپانه دیگر خواهد گرفت و من از من اجراء و ملاحظه کند بعد از مردن من دیگر شما صاحب نیکساهی خواهد بود این مال را که با صد هزار خون حکم در این مدت مماندی برای شما دخره گذاردم با الملک زمانی ارشما خواهد گرفت و حوائجه در مورد دیگران دندیم و داد سید این جهت هم ورزیکه عین الدوله معرول و مشرا الدوله به صدارت منصوب گردید این دوسر در مشروطه شدن ایران نهایت سعی را مندول نمودند بلکه فوق العاده سعی و جهد کردند صدراعظم در مقاصد آنها فوق العاده همراهی کرد

چه میدانند اگر دولت ایران دولت عادلانه و سلطنت ایران سلطنت مشروطه و اساسی گردد دیگر مالیه صدراعظم را نمی برد و آنچه جمع کرده است برای اولادش باقی می ماند این بود که نهایت آمال این صدراعظم مشروطه شدن سلطنت ایران بود و برای حفظ مالیه و اندوخته خویش قلعه محکم و حصار سدیدی بنا کرد و آن مشروطه شدن سلطنت می باشد و الحق صدراعظم نهایت سعی و جهد را در این امر نمود .

روزی کشنبه هیجدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴ - هجری سال یونت لیل وقت عصر سلام عام منعقد گردید حجج اسلام و علماء اعلام دارالخلافه عموماً در تالار جلوس نمودند مبعوثین ملت همه حاضر بودند اعلیحضرت همایونی در تالار گلستان بتخت سلطنت عادلانه جلوس فرمود . نخست کلمه که به پیشوایان اعلم و رؤسای معظم ملت فرمود این بود که الحمد لله به آرزوی ده ساله خودم رسیدم سپس و کلامی منتخب را بآستان ملایک نشان طلبیدند و با تفقد شاهانه و با تعلق پدرا نه جمله را بتأییدات خسروانی مستظهر داشتند و بدرستی و راستی و رعایت جانب رعیت خاصه ضعیف و مردم بی دست و پا ترغیب و تشویق کردند جناب نظام الملك حسب المقرر و المرسوم شرف مخاطبت داشتند نخست خطیب الممالک علی الرسم خطبه فرائی عرض و قرائت نمود تمام علماء اعلام و سایر حضار از وجوه اعیان و اشراف وجود مسعود همایونی را از صمیم قلب بعرض رسانیدند تمام سفرای کبار و وزرای مختار دول متحابه خارجه مقیمین دربار دولت نیز حسب الدعوه در تالار موزه مبارک حاضر شده بودند احتساب الملك از طرف قرین الشرف بآنها تبلیغ تفقد و احوالپرسی نمود و مقتدر الملك نایب رئیس اداره تشریفات وزارت خارجه مشغول پذیرائی آنها بود از اول شروع در سلام و جلوس اعلیحضرت علی الرسم شلیک توپ متوالی بود خطابه را که برای ادای مقاصد مقدسه و اظهار مکنونات ضمیر اهام پذیر اقدس و شمول کمال معدلت و سربلندی و افتخار مملکت و قوت و قدرت دولت و ترقی و ثروت ملت و شیوع تمدن و اشاعه تربیت و اتحاد فریقین و موافقت نشین ترتیب داده بودند جناب نظام الملك قرائت نموده عموم باریافتگان باصفای آن روح و روانی تازه یافته و از دل و جان حالاً قالاً بعرض تشکر و دعا و ثنا و مدح و منقبت ذات فرخنده صفات معلی پرداختند چون تمام شرایط سلام عام بعمل آمد سربلندان اجازه انصراف حاصل نموده بمنازل خود باز گشتند و شهر خود یکباره هیکل شعف یافت و صورت مسرت گرفت که ممالک محروسه ایران صباه الله عن الحدنان دارای تاریخ تازه شد و از این خطابه مقدسه ملوکانه که جناب نظام الملك قرائت نمود مراتب شاهنشاه ما مظفر الدین شاه بخوبی مشهود و مکشوف خواهد گردید در واقع روز هیجدهم شعبان که در هذمه السنه مقارن چهاردهم میزان است بزرگترین عید نیکبختی ایران است و البته ملتفت مزیت و شرافت این روز فیروز شده اند که قول دولت امروز بفعلیت رسید و از روز صدورد دستخط مشروطیت و حریت تا با امروز در تهیه مقدمات انتخابات بودند لکن امروز تأسیس و تشکیل مجلس شورای ملی رسمیت را حاصل نمود و با حضور سفراء کبار دول مبعوثین و و کلاه ملت معرفی شدند .

باری صورت خطابه ملوکانه از اینقرار است :

خطابه اعلیٰ حضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار

بسم الله الرحمن الرحيم - منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعمون الله تعالی از قوه بقول آمد و بانجام آن مقصود مهم بعنایات الهیه موفق شدیم زهی روز مبارک و میمون که روز افتتاح مجلس شورای ملی است مجلسی که رشته های امور دولتی و مملکتی را بهم مربوط و متصل مینماید و علایق ما بین دولت و ملت را متین و محکم میسازد مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون ماست در حفظ و دایمی که ذات واجب الوجود بکف کفایت ما سپرده امروز روزی است که بروداد و اتحاد مابین دولت و ملت افزوده میشود و اساس دولت و ملت بر شالوده محکم گذارده میشود امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتخواه دولت و امانت و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن ما بکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع اهالی و مملکت و البته میدانید که اینست اساس مقدسی که به ملاحظیات شخصی مشوب و محتل نشود و باغراض نفسانی فاسد نگردد حالا بر انتخاب شدگان است که تکالیف خود را چنانکه منظور نظر دولت و ملت است انجام بدهند بدیهی است که هیچکدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید مگر بواسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب از مرده داشته اید و خود این نکته باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ماست و رجاء و اوق داریم که با کمال دانش و بینش و بیغرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهید داد ولی با وجود این چون قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خودمان میدانیم و درخشنودی و مسرت و غم و رالم آنها سهیم و شریکیم باز لازم است خاطر شماها را باین نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شما فقط عاید بخودتان بود و بس ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده اند و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت بدولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموری که باعث فساد است احتراز نمائید پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما شرمنده و خجل نباشید این بند و نصیحت ما را هیچوقت فراموش

نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته‌اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهاست و حافظ حق و حقانیت . دست‌خدا همراه شما بروید مسئولیتی را که بر عهده گرفته‌اید با صداقت و درستی انجام بدهید و بفضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید .

هیجدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴

پس از اختتام خطابه موزیک نظامی ترنم عیش و سرور و تبریک مترنم آمد تا کنون در ایران چنین سلامی دیده نشده بود که با حضور هفده نفر مجتهد مسلم لازم‌الاتباع زهاد عباد صدای موزیک بلند شود چون تعظیم شعائر الله باعث بود . لذا آقایان در مقام منع بر نیامده بلکه موزیک شرعی را مستمع آمدند باری پس از اختتام سلام و تشریفات شایان که امروز را نخستین روز استقلال دولت و بقاء و دوام ملت نامیدنش سزاست حضرات منتخبین مجلس شورای ملی بر گشته مختصراً مشغول مذاکرات تألیف نظامنامه داخلی مجلس شدند و به سبب تنگی وقت مقرر نمودند که در عصر روز دوشنبه نوزدهم ماه شعبان منتخبین ملت در مجلس شورای ملی حاضر شده و بیاد سلامت ذات نجسته صفات اعلی حضرت شاهنشاهی صرف شربت و شیرینی نموده و هم یکنفر را از خودشان رئیس مجلس شوری با بقیه اعضای هیئت مجلس انتخاب نموده و هم نظامنامه داخلی شوری را مرتب نمایند .

روز دوشنبه نوزدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴ هجری - یونتئیل - امروز منتخبین ملت در مدرسه نظامیه مجلس کردند پس از صرف شربت و شیرینی و جای و قلیان با اکثریت آراء جناب صنیع الدوله پسر مرحوم مخبر الدوله بسمت ریاست مجلس بر قرار گردید این شخص از اشخاص با تربیت و تحصیل کرده با ملاحظه و با علم سنین عرش بین چهل و پنجاه مدتی هم در خارجه تحصیل کرده است جناب و توق الدوله پسر معتمد السلطنه شیرازی که از جوانان با علم و دانش است نایب اولی رئیس گردید جناب حاجی محمد حسین آقا امین الضرب بدومین نیابت ریاست مجلس بر قرار آمد جناب آقا سید محمد تقی هراتی و جناب آقا میرزا علی اکبر خان دبیر السلطان و جناب میرزا اسماعیل خان هون الدوله را نیز با اکثریت آراء اعضای دفتر کابینه مجلس شورای ملی انتخاب نمودند پس از اتمام کار به صحن عمارت آمده شاهزاده عبدالله میرزا عکاس مخصوص همایونی سه دستگاه عکس فتوگرافی (کروپ) از منتخبین با گروه دیگر از محترمین که مدعوا حاضر بودند برداشت .

از طرف ریاست مجلس شوری مقرر شد که مجلس تا روز یکشنبه ۲۴ ماه شعبان تعطیل باشد ولی جماعتی مرکب از منتخبین حاضر شوند که نظامنامه داخلی مجلس را مرتب نموده و در روز یکشنبه مزبور به منتخبین مجلس شورای ملی تسلیم نمایند تا بعد از تنقیح و تحریر با اکثریت آراء مصحح گشته بحری گردد مقصود جناب صنیع الدوله از این تعطیل دو چیز است و الا جمعی در مجلس نشسته نظامنامه را بنویسند منافات با دایر بودن مجلس ندارد چه ضرر داشت که روزی دو ساعت مجلس دایر باشد و در اطاق دیگری جمعی مشغول نوشتن نظامنامه باشند امر اول آنکه اهل مجلس از اول امر عادت نکنند که بدون نظامنامه مجلس کنند . امر دویم دولتیان و اهل خانه نکنند و رأی اعلی حضرت را منحرف نمایند و

بدانند مجلس ضروری بآنها ندارد يك امر ديگر هم تصور ميشود و آن اين است كه مسامحه بكنند تا كتابچه‌هاي قوانين كه از خارجه خواسته است برسد در هر صورت اگر صنيع الدوله مانعي در جلو خود نهد بقاعده حر كت خواهد كرد چه هم خودش عالم است وهم برادرهايش كه با او متفق و متحدند .

روز سه شنبه بيستم ماه شعبان ۱۳۲۴ - در چند روز قبل آقاي طباطبائي بجناب صدر اعظم گفت كه اخياري كه از تبريز ميرسد كاشف از اين است كه وليعهد ماييل بمجلس نيست و اخلاص ميكند جناب صدر اعظم بحضرت حجة الاسلام اطمينان داد و قول داد كه مخالفتي از وليعهد ظاهر نگردد و تلگراف رمز بوليعهد مخابره كرد از اين جهت تلگرافي از ولايت عهد براي صدر اعظم و تلگرافي بجناب عضد الملك مخابره گرديد و چون امروز بدست ما آمد لذا در عنوان امروز درج گرديد و هذاصورته .

از تبريز بطهران (تلگراف وليعهد)

جناب مستطاب اجل اشرف اكرم افخم ارفع صدر اعظم زنده مجده
الآن كه دو ساعت از شب گذشته تلگراف جناب عالي رسيد و كشف شد از
اين اظهار جناب حجة الاسلام آقا سيد محمد آقاي مجتهد سلمه الله تعالى تعجب
كردم در صورتي كه شاهدي مثل جناب عالي دارم كه صدور دستخط تلگرافي
را بر حسب خواهش جماعت من خودم استدعا كردم و صادر شد چه طور بچه
قسم من اورا مکتوم نگاهداشته ام در وصول دستخط تلگرافي همان دستخط
را بتوسط فونسل انگليس بر مردم داده و آنها را فوراً از فونسلخانه بيرون
آورده باشادي تمام بازار را بساز كردند و الآن چهار شب است مشغول
حراغان اند و روزهم مشغول تعيين و كلاه هستند تفصيل اين است كه زحمت
دادم خواهش دارم كه عين اين تلگراف را براي جناب حجة الاسلام آقا
سيد محمد آقاي مجتهد طباطبائي سلمه الله فرستاده و ايشان را مطلع و مستحضر
سازيد . منتظر جوابم .

شب ۱۴ شعبان - پنج ساعت از شب گذشته

(وليعهد)

تلگراف از تهران بتبريز

حضور مبارك حضرت مستطاب اشرف اقدس اعظم والا وليعهد دامت
شو كته العالی - اظهار مرحمت و تفقد و احوال پرسی كه بتوسط حضرت اشرف
آقاي عضد الملك فرموده بوديد باعث مزيد تشكر و دعا گوئي گرديد اميد وارم
بتوجهات و اهتمامات و عنايات مخصوصه حضرت اقدس زحمت دعا گويان در
خدمات دولت و ملت مه حب مز بدشو كته سلطنت و قوت دولت و تر قوت مدت

